

# حاشیه‌ای بر مبانی داستان

ابوتراب خسروی

تیما

## فهرست

۷.....	مقدمه
۱۳.....	شکل نوشتن
۲۳.....	خیال
۳۵.....	ماهیت داستان
۴۷.....	موضوع روایت (راوی - روایت کننده)
۵۵.....	زاویه دید
۵۹.....	چگونگی شکل گیری داستان - پلات
۷۱.....	گفت و گو در داستان
۸۵.....	لحن در داستان
۹۳.....	میزانسن روایت
۹۷.....	شخصیت
۱۰۷.....	مود
۱۱۳.....	پرسپکتیو در داستان
۱۲۳.....	کتراست روایت
۱۳۱.....	ادبیات و واقعیت
۱۳۹.....	ادبیات و سینما

## شکل نوشتن

چنان‌که باید درباره‌ی شکل نوشتن یا چگونگی شکل‌گیری نوشتن تبیینی صورت گیرد نخست باید از مباحث گفتار درونی و گفتار بیرونی آغاز کرد. به‌خصوص از جایی که ل. ویگوتسکی، روانشناس بزرگ روس، در کتاب بسیار مهمش، تفکر و زبان، می‌گوید گفتار درونی گفتاری است برای خود فرد.

و گفتار بیرونی، گفتاری است برای دیگران. ویگوتسکی گفتار خودمدارانه را که غالباً در کودکان قبل از سن دبستان مشاهده می‌گردد، مرحله‌ای از رشد می‌داند که پیش‌نیاز و از مقدمات گفتار درونی است، سپس نتیجه می‌گیرد که هم گفتار خودمدارانه و هم گفتار درونی کارکردهای عقلایی داشته و ساختاری همسان دارند. معمولاً در سن دبستان وقتی گفتار درونی کودک توسعه می‌یابد، گفتار خودمدارانه‌ی او ناپدید می‌شود. و نتیجه می‌گیرد که گفتار خودمدار کودک به گفتار درونی بدل می‌گردد. البته پیازه نیز به موضوع گفتار خودمدارانه‌ی کودک پرداخته است. ولی معتقد است گفتار خودمدارانه در سن شروع دبستان ناپدید می‌گردد و دیگر اشاره‌ای به آن نمی‌کند. لکن ویگوتسکی معتقد است که در عین آنکه گفتار خودمدارانه در این سن ناپدید می‌گردد، بعد از آن طی فرایندی به شکل گفتار درونی تغییر شکل می‌دهد. حتی بعد از سلسله آزمایشاتی نتیجه می‌گیرد که گفتار

خودمدارانه، چه از لحاظ ذهنی و چه از لحاظ عینی، نمایانگر گذار از سوی گفتار برای دیگران به سمت گفتار برای خویشتن است. یعنی کارکرد گفتار درونی را بر عهده دارد، لیکن در بیان شبیه گفتار اجتماعی است.

برای توضیح و تبیین گفتار خودمدار در کودک، پیازه تصریح می‌نماید، گفتار خودمدارانه کودک، بیان مستقیم (بی‌واسطه) خودمداری اندیشه‌ی اوست. خودمداری اندیشه نیز به نوبه‌ی خود یک حالت بینابینی اوتیسم (جهت‌نیافتگی) اولیه‌ی تفکر و جامعه‌پذیری تدریجی آن است. با رشد کودک، اوتیسم پس می‌رود و جامعه‌پذیری پیشرفت می‌کند تا آنکه خودمداری در تفکر و گفتار کودک زوال می‌پذیرد.<sup>۱</sup> شاید بهتر باشد گفته شود که تفکر کودک به طرف جامعه (موقعیت و نقش او) سمت‌وسو می‌یابد. به تعبیری دیگر همان‌طور که پیازه می‌گوید، کودک در جریان گفتار خودمدارانه قادر نیست خود را با تفکر بزرگسالان انطباق دهد. در وضعیت خودمدارانه، کودک خود را مرکز جهان می‌داند به شکلی که به اشیاء جان می‌بخشد و به نوعی با آن‌ها مرتبط می‌گردد. به همین دلیل سخن او برای دیگران غیرقابل درک است و نهایتاً گفتار خودمدار در آستانه‌ی سن دبستان به نقطه‌ی صفر تنزل می‌یابد، سیر معکوس آن به تدریج کاهش می‌یابد و البته نه آنکه حاکی از تکامل رفتار او باشد. پیازه آینده‌ای برای گفتار خودمدار کودک متصور نیست.<sup>۲</sup> ولی ویگوتسکی معتقد است که گفتار خودمدار تغییر شکل داده و خود را در مراحل بعدتر به شکل گفتار درونی نشان می‌دهد.

آنچه موضوع اصلی این بحث خواهد بود، شباهت خلاقیت ادبی با گفتار خودمدار و بعدتر گفتار درونی است. نویسندگان براساس همان خصلت غریزی گفتار درونی عمل کرده و نیز با توسل بر خلاقیت هنرمندانه و تخیل اختراعی اش مفاهیمی را که احساسش را برانگیخته با استفاده از مابه‌ازاهای اشیاء و افعال که با

مفاصل اضافات هماهنگ می‌گردند، به‌صورت وقایعی تجریدی سامان می‌دهد. علاوه‌بر آن نویسنده قادر است با صناعت نوشتن سازمان آن وقایع را بر ماده (کاغذ یا هر چیز ثبت و ضبط کننده) تثبیت کند. معمولاً در هنگام و حتی بعد از تثبیت سازمان وقایع به‌جز خود، مخاطب مستقیمی ندارد. درواقع او اندیشه‌اش را با اجزاء تجریدی منتخبش طی میزانشی به‌صورت کلمات در می‌آورد (کلمات مختصات اشیاء ذهنی و کنش و موقعیت و تقدم و تأخر و توالی وقایع خواهند بود) تا مجال یا فضایی ایجاد گردد که نخست بر مخاطب احتمالی‌اش شدت تأثیر ایجاد کند. یعنی آنکه متأثر گرداند و سپس از نتیجه‌ی آن تأثیر اندیشه‌ی او را انتزاع کند و دریابد. دریافت اشیاء به‌وسیله‌ی مخاطب مفاهیم‌ای مثلثی خواهد بود. مثلاً صندلی یا کودک یا خانه یا هر شیء دیگر المثنی مفهوم شیئیت خواهد بود. سپس با اوصافی که نویسنده به آن نسبت می‌دهد فردیت می‌یابد. فی‌المثل وقتی از زن صحبت می‌شود، زنی با خصوصیت زن با معنای زن عام تصور می‌گردد و بعد با مواردی چون سن و سال، شکل صورتی، موقعیت مکانی و موقعیت اجتماعی زنی مشخص خلق می‌گردد. درواقع برای اینکه اندیشه امکان‌بازنمایی داشته باشد، از آنجاکه اندیشه از جنس ماده نیست که صاحب شکل باشد، نویسنده ناگزیر است مسیر اندیشه‌اش را در روابط علیّ معلولی وقایعی اختراعی به منصفی نمایش بگذارد، توضیح آنکه حتی اگر زن مورد اشاره‌ی نویسنده مصداق بیرونی داشته باشد، یعنی حضوری واقعی باشد، از صافی تخیل نویسنده خواهد گذشت و بدل می‌گردد به زنی خیالی که براساس مصداق بیرونی ساخته و پرداخته شده است. به‌هرروی صاحب اندیشه ناچار است جزئیات وقایعی که او را قادر به ایجاد وضعیتی می‌کند تا به‌وسیله‌ی آن اندیشه‌اش بازنموده گردد به شکل کلمات تجزیه کند؛ آنگاه ارتباط آن اجزا را معین و مشخص نماید تا بر صفحه‌ی کاغذ به‌صورت مکتوب تثبیت شود. ولکن به‌دلیل مشخصه‌ی رابطه‌ی اندیشه و کلمات که فرایندی سیال و شبه‌زنده می‌نماید، و نیز به این دلیل که کلمه بالنده است و با سن و تجارب